

قدرت زندگی

آگامبن وسپاست آبنده

| دیوید کیشیک | مجتبا گل محمدی |

The Power of Life

| David Kishik | Mojtaba Golmohammadi |



فهرست

- ۷ درباره نویسنده
- ۹ پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی
- ۱۱ سپاسگزاری ها
- ۱۳ کوله نویسه های آثار اصلی آگامبن
- ۱۷ مقدمه: زندگی درونیز
- سوژه فلسفی، چیزی درون متن هست، نامشارکت، آینه نارسیسوس، شیخ ونیز
- ۳۷ ۱: دیالکتیک تاریک گری
- تاریکی مرئی، زیست سیاست مینیاتوری، نردبان زیست سیاسی، اثررقصی در عصر زندگی های مقدس، اخلاق پس از آشویتس، توانمندی تفکر، رنگ توانمندی
- ۷۵ ۲: پاره سنگی به سبکی پر
- نجوای زرتشت، تیز کردن کاردها، ترمز اضطراری، بر فراز وزن جهان، خاموش ترین کلمه، فشرده گویی، سرهم بندی، ingenium، کشش نفس بریده، فیلسوف و سگ
- ۱۱۳ ۳: حاضر حال آنکه غایب
- سیاست حضور، بیچاپیچ امر ممکن، هستم هرسان که هستم، ادراک ناپذیر شدن، زندگی و خشونت
- ۱۴۹ ۴: چگونگی خیال پردازی یک شکل زندگی
- ۱۷۹ یادداشت ها

مقدمه: زندگی درونیز

سوژه فلسفی

سال ۱۹۶۸ در زندگی جورجوا آگامبن سالی به یادماندنی بود. او این سال را با سفری به آتن آغاز کرد که نخستین دیدار او بود از ویرانه‌های زادگاه فلسفه و سیاست غربی — دو پهنه اصلی که تفکرا و هنوز بین آنها در نوسان است. سپس، در ماه مه، رهسپار پاریس شد تا در واپسین زنجیره رخدادهایی شرکت کند که در آن بهار پرتب و تاب این شهر را زیرورو کرد. از پاریس به نیویورک رفت. پس از تماشای اجرایی از نمایش 'زلف' روی صحنه برادوی، با قطار به هاروارد رفت تا در سمیناری بین‌المللی شرکت کند که یک گردهمایی روشنفکران جوان از سرتاسر جهان بود به گرداندگی هنری کیسینجر^۲. اما دبیر گردهمایی به ندرت آفتابی می‌شد، و روزهای آگامبن با میزبان سمینار سپری می‌شد؛ او یک استاد جوان فلسفه به نام

۱. موزیکال عشق-راک قبیله‌ای آمریکایی (Hair: The American Tribal Love-Rock Musical): نمایش موسیقایی با متن و ترانه‌هایی از جیمز رادو (James Rado) و جروم راگنی (Gerome Ragni) و موسیقی ساخته گالت مک‌درموت (Galt MacDermot) آهنگساز کانادایی است. این اثر، به عنوان محصولی از یاد فرهنگ هیپی و انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰، به نمادی از جنبش صلح‌خواهان ضد جنگ ویتنام بدل شد. میلوش فورمن در سال ۱۹۷۹ فیلمی با همین نام براساس این نمایش مشهور ساخت.

۲. Henry Kissinger؛ متولد ۱۹۲۳، نویسنده، دیپلمات و سیاستمدار آلمانی‌تبار آمریکایی، برنده جایزه صلح نوبل.

استنلی کاوِل^۱ بود که معمولاً در فاصلهٔ میان بحث‌هایی دربارهٔ فرهنگ آمریکایی، فیلم‌های قدیمی هالیوود را برای شرکت‌کنندگان به نمایش می‌گذاشت. یک روز، کیسینجر سخنرانی کوتاهی ایراد کرد. پس از پایان سخنان او، آگامبن، که در آن هنگام بیست و شش سال داشت، دستش را بالا برد و رک و راست به سخنران گفت که او هیچ چیز از سیاست نمی‌فهمد. به گفتهٔ آگامبن، کیسینجر هیچ پاسخی به او نداد و تنها نیشخندی زد. اندکی بعد آگامبن به خانه‌اش در رم بازگشت؛ سپس یک بار دیگر چمدان خود را بست و در هتل کوچکی در پروانس^۲ اتاق گرفت، چون در آنجا هم قرار بود در سمیناری شرکت کند، این بار با حضور مارتین هایدگر (استاد دیگری با یک درگیری سیاسی مشکوک). این رخداد بود که برای همیشه او را به درون جهان فلسفه فرستاد. آگامبن چنین به یاد می‌آورد: «در لوتور^۳، هایدگر سمینارش را در باغی در سایه‌سار درختان بلند برگزار می‌کرد. ولی ما گاهی روستا را ترک می‌کردیم، در مسیر توزون^۴ یا ژبانکه^۵ قدم می‌زدیم، و آن وقت سمینار مقابل کلبهٔ کوچکی میان انبوهی از درختان زیتون برگزار می‌شد. یک روز، وقتی سمینار به پایان رسید و دانشجویان دور او حلقه زدند و با پرسش‌هایشان او را تحت فشار گذاشتند، هایدگر فقط همین را گفت: 'شما می‌توانید حد مرا ببینید؛ [اما] من نمی‌توانم'» (ا.ن.، ۵۹).

در این سال پُررویداد، مهرهای گذرنامهٔ آگامبن در برخی از ایستگاه‌های مرکزی مسیری را نشان می‌دهند که بعدها هنگامی که به سیاحت سنت غربی پرداخت، به خط سیر فکری پیچیدهٔ او بدل شد؛

۱. Stanley Cavell؛ متولد ۱۹۲۶، فیلسوف تحلیلی با دغدغهٔ نظریهٔ فیلم، استاد زیبایی‌شناسی در دانشگاه هاروارد.

۲. Provence؛ نام یکی از نواحی جنوب شرقی فرانسه است، که گستره‌ای دربرگیرندهٔ کرانهٔ سمت چپ رودخانهٔ راین در غرب تا مرز ایتالیا در شرق دارد و از جنوب با دریای مدیترانه هم‌مرز است.

۳. Le Thor؛ روستایی در شهرستان ووکلوز در ناحیهٔ پروانس-آلپ-کت‌د'آزور در جنوب شرقی فرانسه است.

4. Thouzon

5. Rebanquet

۱: دیالکتیک تاریک‌گری

تاریکی مرئی

«تاریکی باد»: مقاومت در برابر وسوسهٔ قرار دادن این کلمه‌ها در فصل آغازین کتابی دربارهٔ فلسفهٔ زندگی آگامبن سخت است. چنانکه او می‌نویسد، «نور، تنها به خود آمدن تاریکی است» (ا.ن.، ۱۱۹). به نظر می‌آید در ذهن او امید اندکی به این وجود دارد که نور واقعاً توان روشنگری داشته باشد. یک پرتو نور فقط می‌تواند سوسوزند، مانند یک ستارهٔ دوردست، و تاریکی پیرامون آن بنا نیست آن را بفهمد. در واقع، حتی «تاریکی تام» آسمان شبانه برای او «شهادتی است بر زمانی که ستارگان هنوز نمی‌درخشیدند» (ب.آ.، ۱۶۲). آرنست ایمانی گنوسی به قدرت انسان‌های درخشان تکین «در روزگاران تاریک» داشت تا اندک تغییری در این جهان پدید آورند؛ به نظر می‌رسد که حتی چنین ایمانی در تفکر آگامبن نقش مشابهی ایفا نمی‌کرد. به هر روی، به نظر می‌آید که او را یک خواست اضطراری تسخیر کرده است که نمی‌تواند به آن پاسخ دهد: دشوار است از قلم انداختن این (هرچند بسیاری هنوز چنین می‌کنند) که تلاشی پیوسته در سراسر نوشته‌های او برای شهادت دادن به یک نور خاص یا، دست‌کم، به یک درخشش سوسوزنان هست. اگر تا به حال سعی کرده باشید در یک شب گرم تابستانی شب‌تاب‌ها را با دست

بگیرید، شاید این رفتار فلسفی کنجکاوی برانگیز را تجربه کرده باشید. اگر خوش دارید، آن را یک دیالکتیک تاریک‌گری بنامید، که منظور من از آن یک تلاش همیشگی است «در تاریکی حاضر، برای ادراک این نور که می‌کوشد به ما برسد اما نمی‌تواند» (آ.ج.، ۴۶).

برای مثال، مجموعه کتاب‌های هوموساگر، که کار برجسته آگامبن در عرصه فلسفه سیاسی هستند، را در نظر بگیرید؛ و آن را با جمهوری، متن بنیان‌گذار در این سنت، مقایسه کنید. مشهورترین تصویر در کتاب افلاطون تصویر یک زندانی است که از زنجیرهایش خلاص می‌شود تا با تابش حقیقت روبه‌رو گردد، تصویر غار تاریکی که خواننده بناست با اندکی یاری از سوی فیلسوف از آن برون آید. در اثر آگامبن، این تجربه انگار وارونه است: خواننده، در نیمه زندگی، در حالی که روی یک صندلی راحت با یک چراغ مطالعه و شاید حتی یک نوشیدنی گرم در گوشه‌ای امن از زمین نشسته، ناگهان خودش را در یک جنگل تاریک می‌یابد. این تجربه نه تنها در نخستین سطرهای دوزخ دانتِه پژواک می‌یابد، بلکه در صحنه آغازین محاکمه کافکا نیز [دیده می‌شود]، همان جایی که یوزف ک، شخصیت اصلی داستان، یک روز صبح بیدار می‌شود تا کشف کند که در دادگاهی سایه‌وار به ارتکاب جرمی نامعلوم متهم شده است. زندگی ما، با حقوق و آزادی‌های بنیادین آن، معمولاً از جانب قانون‌های یک دولت پشتیبانی می‌شود؛ اما این می‌تواند به آسانی به چیزی دگرگون شود که آگامبن آن را یک زندگی عریان یا برهنه می‌نامد، [یعنی] چیزی که از شیوه‌اش یا شکل زندگی عاری گشته است. با یک چشم برهم زدن، تکان یک قلم، یا فشار یک دکمه، هر «شهروند خوب» از هر «کشور محترم» (فرقی ندارد که این کشور دموکراتیک باشد یا نه) می‌تواند از دامنه «نقشه پشتیبانی» دولت طرد شود و بدین‌سان در معرض کنش‌های پیشامدی خشونت قرار بگیرد. حتی در همین